



گرایش های طراحی لباس

پدیدآورنده (ها) : اسدی فارسانی، مجید؛ مختاری دهکردی، راضیه
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: نشریه کتاب ماه هنر :: اسفند 1391 - شماره 174
از 98 تا 101
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/968281>

دانلود شده توسط : عبدالله برزوئیان
تاریخ دانلود : 03/05/1400

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



گرایش‌های طراحی لباس

مجید اسدی فارسانی* راضیه مختاری دهکردی**



گرایش‌های طراحی لباس

مایری مکنزی

ترجمه‌ی آیدا تدین

انتشارات آبان، ۱۳۹۱، ۱۶۲، ۱۳۹۱ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۱۳-۱۷-۴



شماره ۱۷۴، اسفند ۱۳۹۱

۹۸

اشاره

در فصل اول نویسنده از سبک باروک که سبک رسمی و خشک ولی پر زرق و برق دوره‌ی لویی ۱۴ فرانسه است شروع می‌کند. به نظر وی استفاده‌ی زنان از مانتو که ملهم از خاورمیانه بود تغییر شکل داده و تبدیل به لباس شب رسمی سه‌تکه مخصوص دربار می‌شود. در این دوره لباس مردان تغییرات بیشتری می‌کند و رویه‌دوزی‌هایی مانند پارچه مبلی در آنها شکل می‌گیرد. نویسنده استفاده از تزئینات بیشتر و ریزه‌کاری‌ها در گرو



پیشرفت‌های فنی صورت گرفته در تولید ابریشم تزئینی و سبک به عنوان زیر دامنی را جهت فرم‌دادن به لباس برای اولین بار در سال ۱۷۲۰ میلادی از عوامل موثر در شکل‌گیری مد آن زمان می‌داند. (تصویر ۱)

نویسنده تأثیر اندیشه‌های

ژان ژاک روسو در باب آداب و رسوم تحمیلی با ضدیتی نسبت به اشراف را عاملی در گرایش ناتورالیسمی در لباس می‌داند که زنان از لباس‌های تجملی و زرق و برق‌دار به سمت نوعی بی‌پیرایگی حرکت می‌کنند.

در فصل دوم وی از سبک قرتی‌گری و فردی به نام "بو بلومر" به عنوان نخستین قرتی دوران خود که در سال ۱۷۹۴ تا ۱۸۱۶ میلادی مد مردانه بریتانیا تحت سلطه او بود، یاد می‌کند. همچنین رماتیسیسم را که در سال‌های ۱۸۲۰-۱۸۵۰ میلادی، واکنشی به خردگرایی افراطی

کتاب "گرایش‌های طراحی لباس" اثر مایری مکنزی ترجمه‌ی آیدا تدین در ۱۶۰ صفحه و ۴ فصل مجزا در عین حال مرتبط با همدیگر منتشر شده است. مؤلف، پژوهشی در راستای نیازهای ضروری در سبک‌شناسی لباس و مد و عوامل تأثیرگذار در این روند انجام داده است. در این کتاب نوعی بی‌طرفی و پژوهش علمی به دور از جانب‌داری و تعصب مشاهده می‌شود. از این رو می‌توان به روشنی دغدغه‌ها و خط فکری نویسنده را شناخت. وی علاوه بر نشان‌دادن گرایش‌های لباسی هم‌سو با گرایش‌های وسیع در دیگر رسانه‌های هنری و گرایش‌های شناخته شده در طراحی لباس، نام‌گذاری گرایش‌هایی در لباس را مد نظر دارد که تا به حال به آنها توجه نشده یا به عنوان گرایش‌های در لباس معرفی نشده‌اند.

مروری بر کتاب

نویسنده فصول کتاب را بر اساس زمانی (قرن ۱۷ تا ۲۱ میلادی) تقسیم نموده و بر این اساس نظرات و پژوهش‌های خود را مطرح می‌کند.

- فصل اول: قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی

- فصل دوم: قرن ۱۹ میلادی

- فصل سوم: قرن ۲۰ میلادی

- فصل چهارم: قرن ۲۱ میلادی

در مقدمه کتاب نویسنده مد را به عنوان آینه‌ای بازتاب دهنده‌ی تصویر ملت‌ها معرفی می‌کند و آن را دارای نظامی کاملاً پیچیده می‌داند. وی دلیل شروع مطلب از این دوره زمانی را مربوط به نمونه لباس‌های به جا مانده در موزه‌ها می‌داند.

* مدرس گروه طراحی پارچه و لباس، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد
** عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

است را از مولفه‌های مهم در تغییر لباس می‌داند. لباس در این دوره شامل آستین‌های ژیکو، یقه‌های قابی، دامن‌های پف کرده و کمرهای غیر



طبیعی باریک است. استفاده از الگوی لباس دوران گذشته و پیداشدن قوزک پا و رواج جوراب‌های ساق بلند و مزین به طرح‌های پیچیده از مشخصه‌های مد این دوران است. (تصویر ۲)

در بحث صنعت‌گرایی در دهه‌ی ۱۸۶۰ میلادی نویسنده اختراع دستگاه ریسندگی، بافندگی و چاپگر غلتک‌دار ماشینی را سبب افزایش حجم و گسترش تولید و ارزان شدن بهای لباس‌ها و همچنین عامل مهمی در رونق و شکوفایی "ساویل رو" و خیاطی دستی انگلیس معرفی می‌کند. وی در این فصل زایش بنیاد طراحی مد و لباس را پیش می‌کشد، ساختاری که اعتباری برای "چارلز فردریک ورت" انگلیسی است که در ۱۸۶۸ میلادی انجمنی از کانون طراحان لباس را با هدف سامان بخشی و حفظ حقوق و حرفه طراحان پارسی پایه‌ریزی می‌کند. همچنین لباس مخصوص مراسم اجتماعی نظیر ازدواج و عزاداری را به عنوان مولفه‌ای ثابت در تاریخچه‌ی مد و طراحی لباس به عنوان سبک رینورتالیسم (مراسم‌گرایی) معرفی و مرگ همسر ملکه ویکتوریا (۱۹۰۱ - ۱۸۳۷ م) را در این سبک مهم می‌داند.

نویسنده تاثیر جنبش فمینیستی در طراحی لباس و مد را بلومریسم معرفی می‌کند. کسانی که در جست‌وجوی طراحی لباسی راحت برای زنان بودند و در ۱۸۵۱ میلادی لباس محلی "بلومر" فمینیست آمریکایی را برگزیدند. همچنین از انجمن برادری پیشا رافائلی که در مقابل تجلیل از تولیدات مدرن نمایشگاه بین‌المللی ۱۸۵۱ میلادی دست به جدل‌های فلسفی در باب لباس زدند و خردگرایی در ۱۸۸۱ لندن که با هدف تحول بنیادین مد زنان شکل داده شد، می‌نویسد. این روند با جنبش هنرها و صنایع دستی که نگاهی به لباس‌های قرون وسطی و رنسانس با حالت گشاد و چین خورده داشتند تکمیل‌تر می‌شود.

نویسنده در فصل سوم به سده‌ای اشاره می‌کند که دست‌خوش دگرگونی‌های بنیادین و برق آسا شد. آنچه در گذشته در اختیار اقلیت‌های ثروتمند بود اینک در قالب نظامی کمابیش دموکراتیک، پلورالیستی و سخت تاثیرگذار، که توده مردم در آن شرکت داشتند تحول یافت. وی مهم‌ترین واقعه‌ی این زمان را جنگ جهانی اول می‌داند. همچنین احیاء سبک ناپلئونی در اواخر دهه‌ی ۱۹۱۰ میلادی با حالتی کشیده در تقابل با حالت S شکل و گرایش به تولید انبوه بعد از جنگ جهانی اول را قابل توجه می‌داند. سپس به مبحث مدرنیسم مربوط به دهه‌ی ۱۹۲۰ که پس از جنگ جهانی اول به طور گسترده دست به انتخاب اصول و مبانی خود زد و کوتاه‌شدن لبه دامن‌ها به طور چشمگیر در ۱۹۲۶ می‌پردازد، روندی که در ۱۹۲۹ به بن بست رسید.

نویسنده، هالیوودیسم در لباس را از سال‌های ۱۹۳۰ عاملی اصلی در تاثیرگذاری پوشاک می‌داند. لباس‌ها محور موفقیت فیلم را رقم می‌زنند. به نظر وی جنبش سورئالیسم در لباس را مبتنی بر گرایش مشترک در

زمینه خیال‌پردازی می‌داند. از جمله طراحانی که تمرکزش را بر سورئالیسم گذاشته بود "ایلسا سیا پرلی" است که با هنرمندان معروفی چون "سالوادور دالی" و "ژان کوکتو" همکاری می‌کرد.

طراحان مد و لباس در احیای سبک ویکتوریایی در اواسط ۱۹۳۰ میلادی تا وقوع جنگ جهانی دوم، طراحی‌های "ورث" را مجدداً الگوی خود قرار دادند. در سبک نگاه نو که در ۱۹۴۷ میلادی در پاریس عرضه شد "کریستین دیور" با طراحی دامن‌های بسیار گشاد و چین‌دار در مقابل لباس‌های ساده و بی‌پیرایه بعد از جنگ جهانی دوم قرار گرفتند. مدل‌هایی که به دلیل اسراف در پارچه در آن وضعیت به محدودیت شدید محکوم شدند. اما اگرستانسیالیسم‌ها که در اواخر دهه‌ی ۴۱ میلادی پدیدار شدند شلوارهای نخ کلفت و گشاد و بلوزهای مشکی یقه ایستاده به تن کرده و در واقع نوعی ضد مد عمل می‌کردند. در این زمان لندن اوج طراحی لباس و مد شد. در ۱۹۶۴ میلادی هنگامی که "اندر کورژ" مجموعه «عصر فضا» ی خود را نمایش داد. دنیای مد را به لرزه انداخت. از طراحان این سبک می‌توان به "پیرگاردین" اشاره کرد که طراحی این لباس فتوربستی از مجموعه «کارسموس» با الهام از فیلم علمی - تخیلی تلویزیونی و سینمایی است. (تصویر ۳) اما سبک گلام که در ایالات متحده به معنی زرق و برق است به عنوان نخستین سبک واقعی جوانان دهه‌ی هفتاد به دلیل جنبه نمایشی و در مقابل مدهای از هر دری ورقی دهه هفتاد معرفی شد. رومانتیسم نوستالژیک نیز در مقابل و به تحقیق در واکنش به سبک‌های زودگذر، التقاطی و مصنوعی دهه هفتاد است.

در خصوص پوشش جهانی و احیاکردن سنت‌های غیر بومی در طراحی لباس نویسنده مبحث بیگانه‌گرایی را دوباره پیش می‌کشد و دهه ۱۹۷۰ میلادی را بازگشت به دوران کلاسیک، سبکی در مقام مدی ماندگار و تقاضا برای پوشاک ساده و معقول اما شیک و برازنده معرفی می‌کند. وی همچنین سبک پانک را در ۱۹۷۵ میلادی، سبکی متشکل از دو هنر لباس و موسیقی که از مؤلفه‌های بی‌نهایت روشنفکرانه برخوردار بود و تحت تاثیر بین‌الملل موقعیت‌گرا قرار داشت معرفی می‌نماید. نویسنده اعتقاد دارد که کژونالیسم فوتبالی در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی پدیدار شد و تاثیر زیادی بر مد مردانه طبقه کارگر از خود به جا گذاشت. سبکی که آمیزه‌هایی از فرهنگ عامه، سبک میراث بریتانیایی و به‌خصوص نشان‌های تجاری اروپایی در عرصه پوشاک کژونال ورزشی به شمار می‌رفت

یاپیسم در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی، لباس‌هایی با سرشانه‌های پهن بودند که به نماد مادی‌گری و کسی که فکر و ذکرش تنها متوجه خودش می‌باشد، بدل شدند. این لباس‌ها به لباس قدرت معروف بودند و از طراحان موفق این دوران می‌توان به "جورجیو آرمانی" اشاره کرد. این سبک پیامد شرایط خاص سیاسی/اجتماعی بود.

ساختارشنکی در لباس گرایشی است که با آوانگاریسم ژاپنی و پانک در یک راستا قرار می‌گیرند و به واسطه معنای تحت‌اللفظی «از هم گسستن» و بازسازی لباس، به هدف آشکار ساختن درزها، لبه‌ی نخ نما و پوسیده و قسمت‌های کار شده داخل آن مشخص و تعریف می‌شود. گرایش ساختارشنکی در لباس به چالش کشیدن نگرش‌های سنتی است. ساختارشنکی، با طراحی مد بلژیکی و به ویژه آثار مارتین مارگیلا ارتباطی تنگاتنگ دارد. اما پست‌مدرنیسم در لباس به امری زودگذر، نامتجانس،

دموکراتیک و بینامتنی بدل می‌شود. گسترش انبوه و سریع سبک‌هایی که در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌گرفت از درهم شکستن سلسله مراتب قدیمی‌ای حکایت دارد که در گذشته امری مستبدانه به شمار می‌رفت. نویسنده ویژگی‌های این دوران را نگاه طراحان به لباس‌های دوران گذشته و به بن بست رسیدن خلاقیت در طراحی مد می‌داند.

وی از مینی‌مالیسم به سبکی که مضمون غالب مدهای قرن ۲۰ و ۲۱ است و مربوط به دهه ۱۹۸۰ است یاد می‌کند. لباس‌هایی که نیاز به هیچ گونه زر و زبوری ندارند. "شیرین گلد" از طراحان لباس دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی به مینی‌مالیسم گرایش داشت. او مؤلفه‌های البسه‌ی سنتی مردانه سرزمین مادری‌اش، ایران را در قالب اثر زیبایی‌شناختی منحصر به فردی گنجانده است. لباسی که بدن را تماما می‌پوشاند و متشکل از جامه‌های چهار گوش و T شکل است. این نوع طراحی ریشه در پوشش‌های لایه لایه‌ی روستاییان ایران است. نبود تزئینات اضافی، و تمرکز بر برش پارچه و طراحی ساده مشخصه این سبک است.

در فصل آخر کتاب نویسنده به پیشرفت تکنولوژیک به عنوان کاتالیزوری که مد را از قالب ملک مرفهان به لذتی دسترس‌پذیر برای عموم مردم دگرگون ساخته، اشاره و بیان می‌کند که بعد از توسعه‌ی اینترنت شاهد تکان دهنده‌ترین تغییر و تحولات در زمینه تجارت و فرهنگ مد بوده‌ایم. از طرفی دیگر اینترنت دموکراسی را در عرصه مشارکت در فرهنگ مد برقرار ساخت. او و نتاژ در اواخر ۱۹۹۰ میلادی را به عنوان جانشینی برای "لباس نو" می‌داند و زوال بنیاد طراحی مد و لباس را با کم رنگ شدن حضور طراحان لباس معروف دنیا اعلام می‌دارد. نویسنده در پایان به گلوبالیسم اشاره می‌کند اصطلاحی که بر انحلال مرزهای قدیمی ملت با هدف ایجاد اقتصاد و فرهنگ جهانی تمرکز دارد و شهروند جهان بودن مؤلفه اصلی آن است.

نقد و بررسی:

در زمینه لباس چندین کتاب در کشورمان به چاپ رسیده از جمله کتاب تاریخ پوشاک زنان ایران

نوشته جلیل ضیاپور، تاریخ پوشاک ایران و جهان ترجمه‌ی شیرین بزرگمهر، تاریخ پوشاک اقوام ایرانی نوشته‌ی مهرآسا غیبی که اساساً نگاهی تاریخی در شناخت پوشاک را مد نظر داشته‌اند. اما نیازهایی از قبیل سبک‌شناسی لباس، شناخت طراحان بزرگ دنیا و عوامل موثر در شکل‌گیری این سبک‌ها و گرایش‌ها نیز وجود دارد که دانشجویان طراحی پارچه و لباس اعم از کاردانی تا کارشناسی ارشد، محققان و طراحان لباس صحنه می‌توانند از آن در راستای اهداف خود استفاده نمایند.

با توجه به فصل‌بندی کتاب حاضر، نقد کتاب به شیوه‌ی نقدی به کلیت موجود و در عین حال توجه به جزئیات انجام شده است. مولف مباحث مندرج در فصول کتاب را در جهت معرفی گرایش‌های لباس جمع‌آوری کرده است، اما توجه وی علاوه بر معرفی و شناسایی مد و طراحی لباس،

به معرفی طراحان لباس مطرح دنیا و عوامل موثر در تغییر مد هر دوره بوده است. هر سبک لباس به طور میانگین در دو الی سه صفحه جمع‌بندی شده که به نوبه خود، جنبه‌های مثبت و منفی را شامل می‌شود. استفاده از چکیده و واژگان کلیدی در هر بخش نوعی فرمت مقاله‌گونه‌ای را ارائه می‌دهد که برای مخاطب، دسترسی سریع مطالب را به دنبال دارد. اما این سوال مطرح می‌شود که پرداختن به بیش از پنجاه مورد در صد و شصت صفحه‌ی کتاب، می‌تواند حق مطلب را ادا کند؟

آن چه در کتاب حاضر مشاهده می‌شود، فقدان تصویر بعضی از لباس‌های توصیف شده و در عین حال نبود لباس مردان یا زنان، توأم با هم و به صورت منسجم از دیگر ضعف‌های کتاب محسوب می‌شود. به طور مثال گرایش ریتو رئالیسم که توسط خود نویسنده نام‌گذاری شده است، فاقد لباس مردان است و لباس زنان در سبک قرتی‌گری که به عنوان یک سبک لباس مطرح می‌شود، در کتاب آورده نشده است. در صورتی که در سبک بلومریسم که سبک فمینیستی و مختص لباس زنان است، در مورد لباس مردانه ادعایی دیده نمی‌شود.

هنگامی که مخاطب با سبک و مد لباسی در پاریس و گاهی در لندن و حتی ایالات متحده روبه‌رو می‌شود، مکتبی بودن یا فراگیر بودن آن سبک را با توجه به علائم نشانه‌ای مطرح شده در ابتدای کتاب می‌تواند تشخیص دهد. اما در سبک‌هایی همچون بایسیسم، مخاطب با نوعی سردرگمی در این خصوص مواجه می‌شود و نوعی پراکندگی در این رابطه در پژوهش به چشم می‌خورد. هر چند نباید از این مسئله غافل شد که پاریس، لندن و ایالات متحده هر کدام در برهه‌ی زمانی مرکز مد و لباس بوده‌اند. در ترجمه کتاب، گاهی با اصطلاحاتی روبه‌رو می‌شویم که با آن‌ها آشنایی کامل داریم اما در بعضی از موارد هم چون قرتی‌گری، مخاطب با این سوال مواجه می‌شود که آیا چنین اصطلاحی برابر نهاد معنایی مورد نظر در افکار عموم است؟ مترجم، قرتی‌گری را برابر اصطلاح "Dandyism" قرار

داده که معانی شیک‌پوش، خوش‌تیپ و فوکلی برای آن آورده شده و مخاطب را دچار نوعی ابهام می‌کند. مترجم در یادداشت خود به این موضوع می‌پردازد و نبود منبع فارسی و خواست او در جای‌گزینی واژه‌های فارسی را علت این امر می‌داند.

نویسنده به سبک‌های فراگیری مانند کویسیسم، فوتوریسم و دیگر سبک‌ها در لباس اشاره نکرده یا دلایل نبود آن‌ها را ذکر نکرده است. در جایی از تقابل طرح لباسی با سبک فوتوریسم و داداتیسم صحبت می‌کند در حالی که از خود این سبک‌ها صحبتی به میان نمی‌آورد. برای مثال، خانم مکنزی در جنبش بوتیک بریتانیا از باربارا هولاتیکی از پرطرفدارترین بوتیک‌های زمانه خویش می‌نویسد: "لباس‌های آن که علاوه بر زرق و برق و جاذبه‌های هالیوودی‌اش، تحت تأثیر آردکو و جنبش آرنو بود، درست



جستارهایی در مناسبات شهرنشینی دوره سلجوقیان

شهرام یوسفی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰-۴۳۰ص

شابک: ۰-۴۹۰-۴۲-۹۶۴-۹۷۸

کتاب در دو بخش و پنج فصل ارائه شده است. بخش نخست تحت عنوان الگوشناسی شهر ایرانی در دوره سلجوقی در سه فصل به پیشینه‌شناسی و تحلیل الگوی شهرایرانی - اسلامی، شهر سلجوقی: تکامل؛ شکل‌یابی و هویت، و شکل‌شناسی شهر دوره سلجوقی پرداخته است. بخش دوم با عنوان مناسبات اقتصادی - اجتماعی شهرهای دوره سلجوقی به وضعیت تولید کالایی، و وضعیت مبادله و توزیع در شهرها می‌پردازد.

مؤلف برای ورود به بحث شهر و اقتصاد شهری دوره سلجوقیان، دو مقدمه ضروری را مطرح می‌کند: اول اشاره کلی به وضعیت شهرنشینی و اقتصاد شهری در دوره باستانی ایران و دیگر اشاره به این موضوع از بدو ورود مسلمانان تا دوره سلجوقیان. ضرورت طرح این مباحث، به گفته مؤلف، به ماهیت پدیده شهر به عنوان واقعیتهای اجتماعی، که خصلت پویان و جریان‌یابنده دارد، برمی‌گردد.

شهرهای دوره باستانی ایران که تا دوره ساسانی زندگی اجتماعی - اقتصادی آنها تلاطم یافته بود، با آنکه تجربه سقوط ساسانیان را از سر گذراند و تحت سیطره مردمی درآمدند، با فرهنگ و تمدنی متفاوت، نه تنها به زندگی خود تلاطم بخشیدند، بلکه از موقعیت جدید اجتماعی - اقتصادی و تغییرات به وجود آمده در جامعه، در راستای تجربه تحولات کالبدی - شکلی و نیز رشد و تکامل مناسبات شهرنشینی بهره بردند. در واقع به رغم فروپاشی حکومت ساسانی، زندگی اجتماعی، اقتصادی در شهر و روستا ادامه یافت.

به گفته مؤلف مطالعه وضعیت شهرهای ایران در دوره خلفای اموی و عباسی و تبیین تغییرات و تحولات در زندگی شهر کهن ایران که از یک سو تحت سیطره حکومت و دین متفاوت بود و از سوی دیگر در وضعیت اقتصادی و اجتماعی رشد یافته‌تری بود، در فهم ساختارها و شکل‌بندی مسلط جامعه شهری ایران در دوره ماقبل سلجوقیان ضرورت دارد. در واقع شهر دوره سلجوقیان نتیجه و برآیند استمرار و تکامل آن دو نوع تجربه شهری‌نشینی بود.

در دو فصل نخست اشاره‌های مختصری در باب شکل شهر ایرانی در ادوار باستانی و قرون نخستین اسلامی مطرح می‌شود. در فصل سوم، مقوله شکل شهر در دوره سلجوقی بررسی می‌شود. اساس این بحث بر این نظر استوار شده است که فضای شهری تولیدی اجتماعی، بازتابی از روال‌ها و محتوای زندگی انسان‌ها است و از این رو از رویه‌ی شکل‌شناسی شهری، به نوعی به بازشناسی مناسبات اجتماعی مسلط در شهرهای یک دوره معین می‌توان دست یافت؛ زیرا به دنبال بروز تغییر در کارکردهای مسلط شهر، در شکل آن نیز تحولات متناسب با شرایط جدید به وجود می‌آید.

مؤلف در فصل چهارم، وضعیت تولید پیشه‌وری در شهر سلجوقی را بررسی می‌کند مؤلف معتقد است فقدان اطلاعات و آگاهی‌های خرد و گوناگون ضروری برای تبیین و تحلیل چگونگی تولید کالایی در شهر دوره سلجوقی مانع از آن می‌شود که سیر تاریخی تولید کالا در شهرها را در محورهای ذی‌ربط مطرح کرد. به نظر وی برای ورود به بحث تخصصی مانند فرآیند تولید کالا، در شهر دوره سلجوقی، ضروری است داده‌های لازم و مکفی درباره‌ی موضوعات مختلفی به شرح زیر را در اختیار داشت: میزان دستمزدها، نوع پرداخت‌ها، حجم و میزان تولید هر واحد تولیدی، هزینه‌ی تولید، قیمت مواد اولیه‌ی مورد استفاده، بهای تمام شده کالا، میزان اجاره‌ی واحدهای تولیدی، میزان مالیات‌های پرداختی هر واحد تولیدی، مشخصات اجتماعی نیروی کار، تعداد دقیق واحدهای تولیدی در شهرها، روابط اجتماعی تولید پیشه‌وری و بسیاری موضوعات مشابه دیگر در حالی است که متأسفانه کمبود این آگاهی‌ها در تحلیل وضعیت تولید پیشه‌وری، در منابع و مأخذ دوره سلجوقی و ادوار مشابه در تاریخ ایران امکان چنین بررسی دقیقی را فراهم نمی‌کند.

در نقطه مقابل سبک‌های درخشان و فوتوریستی پاپ آرت قرار می‌گرفت و مشخص‌کننده آن عصر بود. در مورد سبک‌های لباسی مانند آردکو، آرنوو، فوتوریسم یا پاپ آرت توضیحی آورده نشده و مخاطب را دچار نوعی سردرگمی کند برای مثال پاپ آرت در طراحی لباس چگونه سبکی است.

از جنبه‌های مثبت کتاب، صفحه‌آرایی مناسب آن است که شروع هر فصل را در یک صفحه رنگی قرار داده که مطالب آن فصل در نواری به همان رنگی که در فصل آمده، قرار داده شده و برابر نهاد اصطلاح فارسی در صفحه روبه‌رو به زبان انگلیسی آورده شده است. شماره صفحه نیز در همان نوار در جوار اصطلاح قرار داده شده که موجب دسته‌بندی مشخص، چشم‌نوازی چشم و امکان جست‌وجوی آسان‌تر را برای مخاطب فراهم کرده است.

از دیگر محاسن کتاب، نگاه نویسنده به سیر تحول شکل‌گیری مد از خاندان سلطنتی به هنرمندان طراح لباس است. معرفی لویی چهاردهم و پانزدهم در مدگرایی سبک‌های باروک و روکوکو که مد و طراحی لباس آن زمان را تابع پوشش خاندان سلطنتی قرار می‌دهد. نویسنده در سبک قرتی‌گری با معرفی "بولومر" و همچنین "ساویل رو"، طراح لباس معروف انگلیسی کم‌کم وارد مبحث ارائه مد و طراحی لباس توسط هنرمندان طراح لباس قرار می‌گیرد و با پرداختن به شکل‌گیری بنیاد طراحی مد و لباس توسط "ورث" انگلیسی در فرانسه ورود کامل به این دوره را به‌خوبی نشان می‌دهد و از هنرمندان طراح لباس مطرحی چون کوکوشنل، جورجیو آرمانی و ولنتینو نیز یاد می‌کند.

نگاه ریزبینانه‌ی نویسنده به عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری ساختار لباس و مد در هر دوره قابل تقدیر است که وی این مطلب را به طرز زیبایی در پیشگفتار هر فصل، علیرغم توضیح‌های درون‌متنی ارائه می‌دهد.

نویسنده عواملی چون نقش لوئی چهاردهم و پانزدهم را در شکل‌گیری مد زمانه موثر می‌داند و با روند زمانی، انقلاب‌های صنعتی، پیشرفت تکنولوژیک و هم‌چنین اختراع دستگاه چرخ خیاطی و ورود آن به منازل شخصی و مسائل اقتصادی را از عوامل تغییر ساختار لباس می‌داند. وی به این نکته بسیار مهم اشاره می‌کند که اینترنت و زوال بنیاد مد و لباس و افزایش رسانه‌های جمعی از عوامل بسیار مهم در شکل‌گیری این تغییر ساختاری پوشاک هستند. این نوع زاویه دید نویسنده باعث می‌شود مخاطب علی‌رغم یادگیری ساختار و تزئینات خاص هر دوره عوامل موثر در شکل‌گیری آن نظام را بداند.

می‌توان گفت که کتاب "گرایش‌های طراحی لباس" اثر مابری مکینزی، پژوهشی ارزنده برای دوستداران مد و طراحی لباس و هم‌چنین دانشجویان و محققان فراهم آورده تا با گرایش‌های مختلف لباس به طور کلی آشنا گردند و از آن در راستای اهداف خویش بهره‌گیرند.